

- ۱- موضوع دانش فلسفه است و فلسفه مسایل پیرامون را بررسی می کند
- ۲- چرا اصل دانش فلسفه را وجود شناسی نیز می گویند ؟
- ۳- معرفت شناسی بخشی از وجود شناسی به معنای ان است
- ۴- چرا معرفت شناسی بخشی از فلسفه به معنای عام ان است توضیح دهید ؟
- ۵- حقیقت علم که وجود نامیده می شود خود از اقسام وجود است
- ۶- هستی خودبه وجود و وجود تقسیم می شود
- ۷- چهار مورد از مباحث اصلی فلسفه را بنویسید ؟
- ۸- یکی از مباحث اولیه ی فلسفه تعیین نسبت دومفهوم و است .
- ۹- نام دیگر هستی و چیستی به ترتیب عبارتند از و
- ۱۰- چرا دومفهوم وجود ماهیت از مباحث اولیه ی فلسفه است ؟
- ۱۱- این موارد زیر بیانگر چه نکته ای در فلسفه است
الف - ما اب را شناخته ایم وبا نوشیدن ان تشنگی خود را رفع کرده ایم
ب- ما قبلا سیمرغ و قفوس را موجوداتی واقعی می پنداشتیم اما بعد ا متوجه شدیم که انها واقعیت ندارند و اموری خیالی هستند
ج- کودکی در باغ وحش با دیدن حیوانات از پدر می پرسد که " این چیست ؟" و پدر هم خصوصیات هر حیوانی را برای پسرش بیان می کند
جواب : این سه گزاره بیان می کند که برخی از ماهیات در ذهن وجود دارند و داری وجود ذهنی هستند این ماهیات دیگر وجود خارجی و عینی ندارند مانند سیمرغ برخی از ماهیات وجود خارجی دارند مانند اب و غیره
و قسمت ج بیان می کند که ما در وجود داشتن یا نداشتن برخی امور شک و تردید نداریم هر چند ممکن است ماهیت ان را به طور دقیق ندانیم .
- ۱۲- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند چند حیثیت می یابد انها را بنویسید
- ۱۳- هر موجودی دارای دو حیثیت است یا هر موجودی دارای دو جنبه است ؟ این دو حیثیت را نام ببرید و هر کدام چه ویژگی دارند ؟
- ۱۴- وجود وجه موجودات است و وجه اختصاصی انها
- ۱۵- دو فیلسوف که به تمایز میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرده اند را نام ببرید ؟
- ۱۶- وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه ی یک موجود است به چه معنایی است توضیح دهید ؟ (از نظر ابن سینا)
- ۱۷- آیا ترکیب موجود از هستی و چیستی مثل ترکیب اب از اکسیژن و هیدروژن است ؟ توضیح دهید
جواب : خیر اکسیژن و هیدروژن در خارج از ذهن ما دو وجود مختلف هستند که با هم ترکیب شده و واقعیتی به نام اب را می سازد اما در خارج از ذهن ما دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت مثلا انسان نداریم که با هم ترکیب شوند و موجودی به نام انسان را به وجود آورد بلکه بیرون از ذهن ما یک واقعیت به نام انسان هست و ما از این واقعیت و در ذهن خود دومفهوم برداشت می کنیم یکی وجود انسان و یکی هم چیستی و ماهیت ان
- ۱۸- آیا وجود و ماهیت یک واقعیت خود دو موجود جداگانه هست ؟

خیر. هر موجودی در بیرون از ذهن انسان یک واقعیت بیشتر نیست و وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف و متفاوت و دو جنبه ای هستند که ذهن ما از آن واقعیت واحد برداشت می کند .

نکته : همانطور که گفتن مثلث ما را به یاد شکل سه ضلعی می اندازد، کلمه ی انسان هم ما را به یاد حیوان ناطق می اندازد. در واقع شکل سه ضلعی باز شده ی مثلث است یا به تعبیر کتاب مفهوم گسترده ی مثلث است یا به تعبیر منطق اینها ذاتیات مثلث است و بدون این ذاتیات یعنی "شکل سه ضلعی" مثلثی وجود پیدا نخواهد کرد و این ذاتیات از ذات که مثلث باشد قابل انفکاک نیست حال "حیوان ناطق" نیز مفهوم گسترده ی انسان است و اینها ذاتیات انسان است که بدون حیوان ناطق انسانی هم نخواهد بود. پس هر مثلثی سه ضلعی است و هر سه ضلعی مثلث است و هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی هم انسان است .

۱۹- از دو گزاره ی " انسان حیوان ناطق است " و قضیه ی " انسان موجود است " چه نکاتی فهمیده می شود ؟

جواب : از گزاره ی انسان حیوان ناطق است این نکات فهمیده می شود " نکته ی اول -محمول قضیه یعنی حیوان ناطق در تعریف انسان آمده است پس انسان همان حیوان ناطق است و لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود پس این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند

نکته ی دوم : حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد و منظور از حمل ضروری یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما " حیوان ناطق " را بر انسان حمل کنید (چون اینها ذاتیات یک ذات و ماهیت است)

اما قضیه ی : "انسان موجود است " نکته ی اولی که فهمیده می شود اینکه وجود از مفهوم انسان جداست و جزو تعریف انسان قرار نمی گیرد (پس وجود انسان مثل حیوان ناطق نیست)

نکته ی دوم این است که میان انسان به عنوان چیستی و وجود رابطه ی ضروری برقرار نیست به همین دلیل انسان می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد

نکته ی سوم اینکه حمل " وجود" بر " چیستی " از جمله انسان نیازمند دلیل است حال این دلیل می تواند حسی و تجربی باشد یا عقلی محض

۲۰- اگر مفهوم ماهیت عین مفهوم وجود بود آیا مشکلی پیش می آمد ؟

جواب : بله این جمله ی شرط دوتالی به دنبال دارد یعنی اگر وجود و ماهیت یک شی مثل هم باشند و فرقی نداشته باشند دو مشکل پیش می آید اول اینکه هر وقت چیستی و ماهیت یک شی ء را بدانیم چون وجودش هم عین ماهیتش است بلافاصله باید گفت این ماهیت وجود دارد

تالی دوم یا مشکل دوم این است که دیگر نباید پرسید که آیا این شی وجود دارد یا نه یعنی برای اثبات وجودش نباید دلیل مطالبه کرد

اما هر دوتالی نادرست است اولی نادرست است زیرا ما ماهیت خیلی از امور را می دانیم اما نمی توانیم وجود رابه آنها نسبت دهیم و بگوییم وجود دارند مثل بسیاری از امور خیالی

تالی دوم نادرست است زیرا درحالت عادی ودرزندگی ما برای اثبات وجود داشتن امور مطالبه ی دلیل می کنید اگر کسی درمورد " دی ان ای " توضیح دهد وبگوید که "وجود دارد " به او می گوئیم از کجا به این نتیجه رسیدید که وجود دارد

۲۱- ایا توجه فارابی وابن سینا به بحث " وجود وماهیت " به معنای ان است که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند ؟

۲۲- توماس اکویناس که با فلسفه ی ابن سینا اشنایی داشت دراروپا چه اقدامی را انجام داد ونتیجه ی اقدام اوچه بود ؟

۲۳- نظر توماس اکویناس درمورد بحث " وجود وماهیت " ابن سینا چه بود وچه اقدامی انجام داد ؟

۲۴- راجر بیکن والبرت کبیرچه کسانی بودند ؟

۲۵- چگونه فرصتی فراهم شد تا فیلسوفان غربی مجدداً با فلسفه ی ارسطویی آشنا شوند ؟

۲۶- درقرن ۱۶ میلادی فلسفه ی ارسطویی وابن سینا جای خود را به چه چیزی داد وچرا

۲۷- به گزار های زیرتوجه کنید وبگویید که ترتیب انها چگونه باید باشد وچرا ؟

۱- من می توانم اشیا را بشناسم

۲- من هستم

۳- اشیا هستند

جواب :به ترتیب ابتدا گزارای من هستم - اشیا هستند - من می توانم اشیا را بشناسم

زیرا اگر من تا وجود خود را به عنوان یک واقعیت نپذیرم چگونه می توانم واقعیات و اشیا دیگررا بپذیرم ودروجود هرچیزی شک کنم دروجود خودم شک ندارم

۲۸- به سوالات زیر جواب کوتاه دهید ؟

۱- ارسطو درکتاب مابعدالطبیعه درمورد وجود وماهیت چه نظری داده است

۲- نام دیگر بحث " وجود وماهیت " را بنویسید

۳- بی تردید یکی از اساسی ترین ارا و عقاید فلسفی درتفکر اسلامی کدام بحث است ؟

۴- کدام بحث درفلسفه پایه ی یکی از برهان های ابن سینا دراثبات وجود خدا یعنی برهان وجوب امکان قرار گرفت

۵- کدام فیلسوف اروپایی بحث مغایرت وجود وماهیت دراروپا راگسترش داد وموجب مناقشات فراوانی درانجا شد .

۶- بنیان گذار فلسفه ی توماسی یا تومیسم چه کسی است ؟

۷- کدام فیلسوفان اروپایی دیگر نظری نزدیک به توماس اکویناس داشتند نام ببرید ؟

۸- فلسفه ای که راجر بیکن وتوماس اکویناس دراروپا ترویج می کردند چه ویژگی داشت ان را بنویسید ؟

۹- نظر ابن سینا درمورد " وجود وماهیت " درمیان فلاسفه ی مسلمان چه تاثیری داشته است ؟

۱۰- درقضیه ی مثلث سه ضلعی است " و " انسان حیوان ناطق است " حمل محمول برموضوع نیاز به دلیل دارد ؟ چرا

جواب : خیر زیرا محمول هردوقضیه درذات موضوع قرار دارد وازذات موضوع هم جدا نمی شود پس نیازی به دلیل ندارد

- ۱۱- در اروپا چه کسی مانند ابن سینا بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه ی برهان های خود در خداشناسی قرار داد؟
- ۱۲- توماس اکویناس کدام بحث فلسفی را مانند ابن سینا پایه ی برهان های خود در خداشناسی قرار داد ان بحث را نام ببرید؟

۲۹- وقتی دونفر حیوانی را از دور می بینند یکی می گوید شیر است و دیگری پلنگ؛ به نظر شما چه نتیجه ای می توان در نسبت چپستی و هستی حیوان گرفت

جواب: در اینکه بالاخره چیزی هست و وجود دارد شکی نیست اما آنچه موجب اختلاف می شود ماهیت و چپستی امور است

اول باید وجود چیزی ثابت شود تا بعد بتوان درباره ی ماهیت ان بحث کرد پس وجود یک واقعیت با ماهیت و چپستی ان فرق دارد

۳۰- از گزاره های زیر حمل کدام یک از محمول ها به موضوع نیازمند است؟

- ۱- انسان حیوان است ۲- انسان شیر است ۳- انسان مخلوق است ۴- انسان ناطق است ۵- انسان موجود است

جواب: گزاره های ۲-۳-۵ به دلیل نیاز داریم زیرا محمول ذاتی موضوع نیست

- ۳۱- در جملات زیر موارد غلط را درست کنید و بگویید کدام گزاره درست است. توجه داشته باشید که هر کدام از این موارد نکته ای است که برای کنکور باید به ان توجه داشته باشید
- ۱- دانش فلسفه را وجود شناسی می گویند زیرا موضوع ان وجود است
- ۲- معرفت شناسی بخشی از هستی شناسی به معنا ی خاص ان است زیرا حقیقت علم که وجود خارجی نامیده می شود خود از اقسام وجود است
- ۳- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند دو حیثیت وجود و ماهیت را می یابد وجود وجه اختصاصی موجودات است و ماهیت وجه مشترک انها است .
- ۴- ابن سینا به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرد و در تمایز این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود سپس فارابی راه او را ادامه داد
- ۵- هستی و چپستی دوجنبه ی یک چیز است همانطور که اب و اکسیژن دو جزو تشکیل دهنده ی اب است .
- ۶- تمایز وجود و ماهیت در خارج از ذهن است و در قضیه ی انسان موجود است انسان و وجود در خارج از ذهن دو موجود جداگانه هستند
- ۷- در قضیه ی انسان موجود است، انسان و وجود در ذهن دو مفهوم مختلف و متفاوت هستند ولی در عالم خارج یک واقعیت واحد هستند نه دو موجود جداگانه
- ۸- در قضیه ی " انسان موجود است " حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است زیرا میان انسان و وجود رابطه ی ضروری برقرار نیست
- ۹- در قضیه ی " انسان حیوان ناطق است " حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است و حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است .
- ۱۰- حمل وجود بر انسان مثل حمل حیوان ناطق بر انسان است .

- ۱۱- بیان دقیق فارابی و توجه ویژه ی ابن سینا در بحث مغایرت وجود و ماهیت بدین معنا نیست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند
- ۱۲- به علت توجه خاص فارابی به چیستی و وجود این بحث با عنوان مغایرت وجود و ماهیت و با عنوان هایی مشابه مقدمه ی طرح مباحث جدید قرار گرفت
- ۱۳- افلاطون در کتاب مابعد الطبیعه وجود را از ماهیت جدا می سازد و توضیح مفصلی می دهد
- ۱۴- فلسفه ی که راجر بیکن والبرت کبیر در اروپا ترویج می کردند بیشتر به ارای ابن رشد و تاحدودی به ارای ابن سینا متکی بود .
- ۱۵- فلاسفه ی غرب از طریق ابن سینا و فارابی مجددا با فلسفه ی افلاطونی آشنا شدند .
- ۱۶- بحث مغایرت وجود و ماهیت مورد توجه فلاسفه ی مسلمان نیز قرار گرفت و تا عصر ملاصدرا دنبال شد و امروزه فراموش شده است
- ۳۲- بحث مغایرت وجود و ماهیت از مباحثی است که ابن سینا و توماس اکویناس پایه ی برهان ی های خود در قرار داده اند
- ۳۳- پایه گذار فلسفه ی توماسی یا تومیسیم در اروپا است که این فیلسوف با فلسفه ی آشنا بود .
- ۳۴- راجر بیکن والبرت کبیر در قرن ۱۳ و ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که تاحدودی متکی به دیدگاه و بیشتر به ارای بود .
- ۳۵- از قرن ۱۶ میلادی با رشد دید گاههای ابن سینا و ارسطویی جای خود را به فلسفه ی های و داد
- ۳۶- به علت توجه خاص ابن سینا به چیستی و وجود این بحث با عنوان و با عنوان های مشابه مقدمه ی طرح مباحث جدیدی قرار گرفت .